

[کیفیت توزیع قصاص (بر اساس مختار مرحوم صاحب جواهر) 2](#_Toc505363430)

[اشکال: عدم وجاهت احتمال تنصیف 2](#_Toc505363431)

[وجه اختصاص قصاص به شهود (مرحوم امام ره) 3](#_Toc505363432)

**موضوع**: قتل به تسبیب/مراتب تسبیب/مرتبه چهارم/صورت سوم /قتل عمد /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در بیان و بررسی صور مرتبه چهارم قتل به تسبیب؛ یعنی تسبیب به واسطه شهادت خلاف واقع رسید.

در بررسی فروض تسبیب به شهادت بر خلاف واقع بحث به فرعی رسید که بعد از وقوع قصاص، شهود اعتراف به کذب شهادت خود و تعمد در این کذب دارند، در حالی که ولی دم نیز اعتراف به آگاهی از خلاف واقع بودن این شهادت داشته باشد، اما خود این ولی دم مباشر و مجری این قصاص نشده است.

همان طور که بیان شد در این فرض، سه احتمال وجود دارد که بر اساس احتمال اول، خصوص شهود قصاص می شوند و بر اساس احتمال دوم، قصاص مشترک بین ولی دم و شهود خواهد بود و در سومین احتمال هم، حکم به قصاص خصوص ولی دم می شود.

مرحوم صاحب جواهر قدس سره دو احتمال اول را مطرح نموده است، ولی از بیانات ایشان، احتمال سوم و مختار هم قابل استفاده است، به این بیان که ایشان در مقام حکمیت بین دو احتمال اول بر آمده است و برای احتمال اول دو وجه سبب السبب بودن شهود و تقدیم سبب بر مباشر و اولویت آن در ولی دم که به حکم مباشر است را مطرح اما هیچ یک از این دو وجه را نیپذیرفت و به بیان وجهی پرداخت که قصاص ولی دم را اثبات می کند ولی معلوم نشد که چرا با وجود چنین وجهی قائل به اشتراک و تعمیم قصاص نسبت به شهود شده است.

اما همان گونه که گذشت، حق این است که احتمال سوم، یعنی اختصاص قصاص به ولی دم صحیح است و شأن شهود نسبت به ولی دم، شأن شرط و معد است کما این که قضیه اعطای چاقو به قاتل نیز چنین شأنی دارد و آن چه در مقام از شهود شکل گرفته است، تمکین ولی دم است.

به تعبیر دیگر، قصاص مختص به ولی دم است؛ چرا که جزء اخیر علت و محل انتساب جنایت است و نسبت به مباشر که به واسطه غرور حکم ساقط است.

بله، شأن شهود اعانه بر اثم و شهادت بر زور است که مجازات خودش را دارد، اما بین شرط قتل و سبب آن فرق و تفاوت وجود دارد و شرط و جزء سابق علت، از موجبات قصاص نیست.

کیفیت توزیع قصاص (بر اساس مختار مرحوم صاحب جواهر)

بر اساس مبنای مختار که قصاص مختص به ولی دم دانسته شد؛ نیازی به بررسی چگونگی توزیع قصاص نیست، کما این که در مورد قول و احتمال اول این گونه است، اما بر اساس مسلک مرحوم صاحب جواهر قدس سره در مقام که قصاص را مشترک بین ولی دم و شهود دانسته است، باید از چگونگی توزیع آن بحث نمود و روشن نمود که آیا این تقسیم و توزیع به تنصیف است و نیمی از آن متوجه ولی دم و نیم دیگر بر عهده جمیع شهود است، یا این که بر رؤوس و افراد به نحو تساوی توزیع می شود، بدون این که فرقی بین شاهد و ولی دم باشد؟

مرحوم صاحب جواهر ره وجه تنصیف را سبب واحد بودن جمیع شهود دانسته است و تساوی سهم تک تک افراد را در وقوع قتل با صرف نظر از شاهد یا ولی دم بودن آنها وجه تقسیم و توزیع بر رؤوس می داند که همین وجه دوم را ترجیح داده است و قائل به توزیع قصاص بر رؤوس شده است.

اشکال: عدم وجاهت احتمال تنصیف

حق این است که حتی وجهی هم برای احتمال تنصیف قابل تصویر نیست؛ چرا که اگر شهود و ولی دم، هر کدام سبب تام نسبت به قتل محسوب می شوند، رجوع به هر کدام، به عنوان تنصیف و تقسیط معنا ندارد، بلکه هر کدام ضامن دیه و قصاص کامل خواهند بود؛ چرا که هر کدام قاتل تمام محسوب می شوند و اگر این افراد شریک محسوب می شوند، این که دو شاهد یک سبب هستند، صحیح نیست؛ چرا که سبب قصاص شهادت یا مطالبه به تنهایی نیست، بلکه سبب قصاص وقوع قتل است، لذا معنایی تمام برای وجه تنصیف وجود ندارد، در حالی که در نظر مرحوم صاحب جواهر به حدی این احتمال و وجه قوت داشت، که به نوعی با احتیاط و ملاحظه آن را کنار گذاشته است و این چنین تعبیری دارد: «ففي التنصيف للضمان أو التقسيم على رؤوسهم إشكال من أن شهادتهما معا سبب واحد، و من صدور الجناية منهم، فتوزع عليهم كجراحات صدرت من ثلاثة فسرت، و لعل الثاني أقوى».[[1]](#footnote-1)

###### وجه اختصاص قصاص به شهود (مرحوم امام ره)

وجه فرمایش مرحوم امام ره در اختصاص قصاص به شهود، این است که شهود را سبب السب دانسته است، و این سبب السبب در فرض خطا و اشتباه ولی دم، سببی تام و تمام است، و لذا اگر به ولی رجوع شود با توجه به این که استقرار ضمان بر شهود است، علی القاعده او می تواند به شهود رجوع کند؛ چرا که از ناحیه شهود مغرور شده است، بر خلاف جایی که ادعا دارد که از راهی غیر از شهادت شهود، بر علیه مقتول، ادعا و مطالبه قصاص نموده است و در نتیجه غرور ساقط است و لذا قرار ضمان هم بر شهود نخواهد بود و خاصیت شهود در مقام اثبات است و گرنه ثبوتا خود ولی ادعا دارد.

البته مقتضای نصوص موجود، رجوع ابتدایی به شهود و جواز این رجوع است، ولو قاعده مقتضی رجوع به ولی دم است.

1. . [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج43، ص57.](http://lib.eshia.ir/10088/43/57/) [↑](#footnote-ref-1)